

ما با زهم میگوئیم: آمریکا ایران را میخواد، نه «گروگانها» را

در صفحه ۴

سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه استقرار یافته اند، ولی قانون شکنی همچنان ادامه دارد، چرا؟

روزنامه انقلاب اسلامی، در سرمه رئیس‌جمهور وجود ندارد و یا اینکه مقاله روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ماه دولتی در کار نیست، اما امروز دیگر ۵۹ خرد از جمله می‌نویسد:

... حکم نه‌ست‌وزیری آقای رجائی که با اکثریت مطلق به این نهادها بدنبال رای تمایلی که هفته گذشته رای داده و مشروعیت اسلامی آنها هم از طریق رای ملت و هم از طریق طرف رئیس‌جمهور صادر شد. پس رسمیت یافتن مقام نخست‌وزیری تمام نهادهایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور اجرای این قانون پیش‌بینی شده است کامل و هیچ پهنه‌ای دیگر به علت عدم ارکانهای رسمی وجود ندارد. لذا از این پس هر سه قوه قضائیه، مجریه و مقننه مسئولیت کامل و تمام‌عیار رعایت و اجرای قانون اساسی را به عهده دارند و این در حالی است که بی‌قانونی و عدم امنیت و احترام بطور روزافزونی جامعه را در خطر قرار داده است. و آن چیزی که رئیس‌جمهور نیز به آن اولویت داده خاتمه دادن به همین بی‌نظمی‌ها و قانون شکنی‌هاست.

نظیر کتابفروشیهای مقابل دانشگاه تابلج یگروز ادعا میشد مجلس تهران اینگونه اعمال شدت و حدت استقرار نیافته، یک روز میگفتند بیشتری یافته است...

بستند در خانه مارا و چه باطل حق است که در رابه حقیقت بگشایید

بیش از یکماه از اشغال دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه مردم در تهران (۴۰ تیر) میگذرد. دادستان کل کشور، آیت‌الله موسوی اردبیلی، چندروز بعد از آن (۵ مرداد) اطلاعاتی صادر کردند و «اشغال دفتر مسروبه و بعضی از روزنامه‌ها» را توسط «اشخاص متفرقه»، «خلاف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم» دانستند و اعلام کردند که:

«لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد، که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی میزنند، بدست از آن احتراز نمایند و اگر افرادی به این کار ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت».

ایشان ده روز بعد، در سخنرانی خود، در حوزه علمیه قائم در چیدر شمیران، با تذکر اینکه «کشور احتیاج به نظم و آرامش دارد»، گفتند: «گاهی افراد در پای سخن‌رانی تند می‌نشینند و عده‌ای شعارهای تندی میدهند و می‌روند گوشه‌ای را تسخیر میکنند... در این حال ضدانقلاب سوء استفاده میکنند» (کیهان ۱۵ مرداد).

چند روز بعد نیز در مصاحبه تلویزیونی خود در مورد هجوم عده‌ای بمراکز احزاب و سازمانها تصریح کردند که:

«حمله به گروهها در خط امام نیست». در اطلاعیه رسمی دادستان کل جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵ مرداد از جمله گفته شده است:

«اماکنی که تاکنون به طرق یادشده تصرف شده‌است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستان کل کشور و پادانستانی انقلاب اسلامی و یا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد».

لیکن این دستور صریح دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، نه اینکه بموقع (در اسرع وقت) و بدستی اجرا نگردد، بلکه پس از آن تاریخ تاکنون نیز، علی‌رغم اطلاعیه رسمی دادستان کل، باز هم از طرف این «اشخاص متفرقه» به دفاتر گروهها و روزنامه‌ها، از جمله به دفتر حزب توده ایران در شهرهای مختلف کشور، بی در پی هجوم برده میشود و آنها را غارت و اشغال میکنند. کار بجائی رسیده است که حتی «داسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر»، که خود یک مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران است و باید قاعدتا برای اطلاعیه دادستان کل کشور احترام و اعتباری قائل شود، به پشتیبانی از این نوع «اشخاص متفرقه» برخاسته و طی «اطلاعیه‌ای فعالیت چند گروه و سازمان»، از جمله حزب توده ایران، را در این «ممنوع» اعلام کرده‌است. (جمهوری اسلامی، ۱ شهریور ۵۹).

حزب توده ایران بشهادت اسناد فراوان غیرقابل انکار، هنوز قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بر رهبری امام خمینی و سرنگونی رژیم طاغوت، از این انقلاب با تمام نیرو و امکانات خود، در گفتار و کردار خویش، با کمال صداقت و جدیت پشتیبانی کرده است. پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند مردم ایران علیه استعمار و استثمار، علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا،

بقیه در صفحه ۴

ضدانقلاب از پاسداران و کمیته‌ها دل‌خوشی که ندارد نیست، متعلق بزمان حال ما و به همین تاریخ برشور و درخشانی است که خلق ما، هر روز و هر هفته و هرماه، در حال نوشتن و بازنوشتن آن است. برای این روزهای حساسی که آینده کشور ما و سرنوشت انقلاب ما وابسته بدان است، وجود و فعالیت درست نهادهای انقلابی، که در اساس خود زائیده نبوغ توده مردم و ابتکار خلافت آنها و خصوصیت ویژه انقلاب ماست، دارای اهمیت حیاتی است. درست‌ببین جهت‌شده انقلاب با اینهمه خشم وینام و افسران شاغل! و با کوشش برای رودر روز قراردادن ارتش و پاسداران، خواستار دامن‌گشایی سپاه و کمیته‌هاست.

اگر کسانی کترین شکی هم داشتند، برایشان همین موضع‌گیری ضد انقلاب اینک باید کاملاً کافی باشد که، یک وظیفه مهم دولت وهمه ارگانهای مسئول تقویت و تحکیم آن نقش تنها متعلق به تاریخ گذشته

بقیه در صفحه ۴

مردم و پاسداران

ضد انقلاب:
پاسداران و کمیته‌ها را منحل کنید
همه انقلابی‌ها: با تمام قوا و با همه وسائل پاسداران و کمیته‌ها را تقویت کنید



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۵
یکشنبه ۲ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵: ریال

ملاقات نمایندگان قاسملو و کومله، با اشرف، اویسی و پالیوزبان

طبق اطلاعی که تازه بدست آورده‌ایم، در تاریخ ۲۵-۲۶ اردیبهشت‌ماه ۵۹، در نزدیکی دهی بنام حلبچه در عراق، در کنار یک منطقه نظامی و در یک ساختمان از بتن پیش‌ساخته، شیخ عثمان نقشیندی، نماینده قاسملو، صدیق کمانگیر نماینده کومله، یا اویسی، پالیوزبان و اشرف، ملاقات می‌کنند. در این ملاقات مساله هماهنگی کلیه نیروها برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، مورد بحث قرار می‌گیرد و اویسی به شیخ عثمان اعلام می‌کند که برای هر مزدور ۶۰۰۰ تومان می‌پردازد.

آمریکا میخواد اعصاب مارا امتحان کند

بجای آنکه «یادداشت» را بحکومت بدهند، به «پارلمان» کشور دادند! بدنبال این کشورها، ژاپن و کشورهای عضو بازار مشترک اقدام همکاران خود را تکرار کردند. شاید فردا گروهی از کشورهای «مسلمان» بریاست پاکستان یا عربستان سعودی نیز برای آزادی گروگان‌ها بدریانی بکنند!

لحن این سه‌نامه، که تاکنون فرستاده شده، سرد، غیردوستانه و گاهی تهدیدآمیز است. ما را از «جنگ جهانی» میترسانند، به «حفظ صلح» دعوت میکنند، عراق رنجیم و «گروگانگیری» و تناقض آنرا با «موارین حقوق بین‌المللی» برخط می‌کشند.

یورش سفیران کشورهای سرمایه‌داری مقیم تهران به مجلس شورای اسلامی بیشتر شبیه یک جنگ روانی است. آنها میخواهند ثابت کنند که دیگر برای ایران دوستی باقی نمانده‌است و چاره‌ای جز تسلیم ندارند.

خود سفیران کشورهای سرمایه‌داری بهتر از هر کس دیگر میدانند که وخت روابط ایران و آمریکا هزاران علت دارد، که «گروگانگیری» کوچکترین آنها هست. اگر تمام این «گروگانها» در دادگاه انقلاب بمرگ هم محکوم بشوند، تازه یک‌هزارم کسانی نیستند که بدستور مستشاران آمریکائی بدست ارتش مزدور شاهنشاهی در دوران انقلاب شهید شدند.

آنچه «صلح جهانی» را بخاطر افکنده است، اشتباهی سیری‌ناپذیر امپریالیسم آمریکاست، که هزاران میل دورتر از سواحل آمریکا را «منطقه امنیت» و «حیطه منافع ملی» خویش اعلام کرده و بزرگترین قدرت‌دریایی خود را در برابر آبهای مبین ما شمرکز ساخته است.

آه‌ایان سفا از اقدامات دولت سلطه‌گر آمریکا در ایجاد جنگ سرد و جودگیری کلمه‌ای بزبان نمی‌آوردند، اما چون تمام سیاستمداران دوروی سرمایه‌داری، فریکارانه از لزوم «حفظ صلح» و «رعایت حقوق بین‌المللی» - می‌زنند.

ما که به دیپلماتهای آمریکائی حتی پس از انقلاب کاری نداشتیم و وجود منحوسشان را بزرگ میبمان تحمل میکردیم. جوانان برشور انقلابی ماتنها هنگامی سفارت آمریکا را اشغال کردند، که بر بردند جاسوسان «سپاه» در آنجا مشغول طرح توطئه براندازی جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

چریکهای اکثریت و کردستان

چریکهای اکثریت که میکوشند قاسملوهارا به انقلاب جلب کنند و در واقع وانمود می‌کنند که آنها می‌توانند به انقلاب جلب شوند، ناخواسته به ضد انقلاب یاری می‌رسانند و عملاً در جبهه قاسملوها قرار می‌گیرند.

در صفحات ۵ و ۶

شیطان بزرگ - آمریکا همین ما را زیر فشاری سه‌گین قرار داده‌است. در پی محاصره نظامی، محاصره اقتصادی و بدنبال محاصره اقتصادی ما را در محاصره سیاسی گرفته و در این راه تمام توان خود و یارانش را بسیج کرده‌است.

آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور از یک توطئه وسیع نظامی، که امریکائیها علیه کشور ما تهیه دیده‌اند و تصمیم دارند بوسیله مزدوران داخلیشان بخشهایی از مبین ما را اشغال کنند و ایران را بصبخه خونین جنگ برادرکنی تبدیل نمایند، پرده برداشت.

امپریالیستهای آمریکائی از محاصره اقتصادی نیز برای توسعه پایگاه اجتماعی - سیاسی همین مزدوران استفاده میکنند و میکوشند از عراق اقتصادی - اجتماعی این محاصره، بسود طرفداران ضدانقلاب بهره‌برداری نمایند.

اکنون آنها لحظه را برای اعمال فشار سیاسی مساعد دیده‌اند. فشار طبق برنامه و یبیکراره وارد میگردد.

فشار سیاسی از قطع رابطه آمریکا با ما آغاز شد و امروز منحنی صعودی را طی میکند. بدنبال آمریکا، کانادا سفارتخانه خود را عملاً تعطیل کرد. اکنون انگلستان تعطیل میکند. میکوبند سفارت فرانسه هم در حال تعطیل است. سایر سفارتخانه‌های کشورهای سرمایه‌داری نیز کادر سیاسی خود را بحدافل تنزل داده‌اند. این عمل نوعی فشار سیاسی بر ایران است.

فشار سیاسی آمریکا و اروپا بر ما درجهت تضعیف انقلاب ایران و منفردساختن آن سیر میکند.

تسلیم «یادداشت» از طرف سفیران کشورهای سرمایه‌داری به ایران، که بدلیل ماهیتی آن نمی‌تواند چیزی جز یک ایدام طرح‌ریزی شده باشد، نیز در همان جهت سیر میکند.

دنیای سرمایه‌داری مجلس ایران را زیر بارانی از «نامه» و «یادداشت» گرفته است. ابتدا نمایندگان کنگره آمریکا بنام «مردم» آمریکا به مجلس شورای اسلامی ایران نامه فرستاده بودند. سپس گروهی از کشورهای «کوچک و متوسط» اروپایی سرمایه‌داری، به پهنه نبریک به حجت الاسلام رفینجانی، به مناسبت انتخابشان بمقر ریاست مجلس، یادداشتی تسلیم ایشان کردند و برای نخستین بار در عرف بین‌المللی،

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ما با زهم میگوئیم: امریکا ایران را میخواهد، نه «گروگانها» را

روز ۱۴ آبان سال ۱۳۵۸، که پنصد و نهمین سالگرد پیروختلغام، سفارت امریکا، لانه جاسوسان و خیانتکاران و پایتخت فعالیت‌های خرابکارانه هلمزها و سولویان‌ها را اشغال کردند و جاسوسان امریکائی را کروزگان گرفتند، در اعلامیه شماره ۴ خود، در توضیح دلایل اقدام خویش، نوشتند:

- اعتراض به امریکاجیت پناه دادن به شاه جنایتکار،
- اعتراض به امریکا به علت ایجاد فشار تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی ایران،
- اعتراض به امریکا بخاطر توطئه ها و دسیسه‌هایش،
- اعتراض به امریکا به دلیل نقش خائنانه براندازش در برابر رهائی خلقها.

اعتراض دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به امریالیسم امریکا، اعتراض امام بود و توده‌های مستضعف، اعتراض همه شخصیت‌ها، سازمانها و گروه‌های سیاسی ضد امریالیست بود و به همین جهت مورد اقبال امام رهبر پیروان و هواداران و پشتیبانان خط امام قرار گرفت.

اما بلافاصله خط دیگری، جدا از این خط، سربلند کرد، خط بورژوازی لیبرال و هواداران و متحدانش، که چهره دژم کردند و اشغال جاسوسخانه و «گروگان گیری» را گامی در راستای تیره ساختن مناسبات ایران با جهان غرب دانستند و مسایه «شرمساری» خواندند. اینان احترام به مصونیت «سفارتخانه‌های» خارجی و مصونیت «دیپلمات‌ها» را مطلق میکردند و اقدام دانشجویان را «نقض عرف بین‌المللی» میدانستند. حتی روزی که اسناد جاسوسی از جاسوسخانه بدست آمد و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم افرادی در مشاغل حساس دولت انقلاب، با سازمانهای جاسوسی آمریکا فاش شد، باز این گروه دست حمایت خود را از پشت کارگزاران امریالیسم امریکا برنداشتند و اسناد را فاقد اعتبار خواندند و بدینسان دو برخورد و دو خط با مسئله «گروگانها» بوجود آمد:

برخورد اول، که اقدام دانشجویان را ابتکاری جالب در پرواز شور انقلابی مردم به اوج، و در مبارزه متحد و یکپارچه علیه امریالیسم امریکا ارزیابی کرده، از آغاز تاکنون بر روی خطی مستقیم، بدون تزلزل و اموجاج و با یگیری راه سریده، و گفته امام را تکرار کرده است که، تصمیم درباره «گروگانها» از وظایف مجلس شورای اسلامی است.

برخورد دوم، که باورچندانی به خصلت ضد امریالیستی انقلاب و ضرورت مبارزه با امریالیسم در همه عرصه‌ها و همه زوایای حیات کشور ندارد و در پندار حفظ مناسبات ایران با جهان «آزاد» در چارچوب گذشته و یا چارچوبی کمی تنگتر را لازم میدانند، به این اقدام دانشجویان با بی‌اشفتگی می‌نگرد و این تکرانی درجانش است که، کار به کجا خواهد کشید؟

این گروه به مسئله «گروگانها» از زاویه ترس از «انزوا» در جهان، که منظورش جهان سرمایه‌داری، بویژه اروپای سرمایه‌داری است، می‌نگرد و این تازه بعد از آنست که جهان سرمایه‌داری، بویژه اروپای سرمایه‌داری موضع خود را نسبت به انقلاب و همدلی خویش را با دشمن اصلی و واقعی ما، یعنی امریالیسم امریکا، عریان و بی‌پرده نشان داده

بستند در خانه مارا و چه باطل

بقیه از صفحه ۱

و رژیم طاعون دست‌نشانده آن، زائیده ماهیت اجتماعی و خصلت طبقاتی این حزب است، که دفاع از مافع طبقات زحمتکش و آزادی، استقلال و ترمی کشور را وظیفه اصلی خود قرار داده و در برنامه و اساسنامه حزب منعکس کرده است.

پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب ره‌نمائی بخش ضد امریالیستی و ضد رژیم‌شاهی با خون عده‌ای از بهترین اعضای حزب ثبت تاریخ است.

پشتیبانی صادقانه و فداکارانه حزب توده ایران از انقلاب شکرهمند مردم ایران بره‌ری امام خمینی در ده‌ها سند رسمی، در اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و فراخوانهای کمیته مرکزی حزب بازتاب یافته است. پشتیبانی عملی و نظری حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند ایران بره‌ری امام خمینی در یک کتاب طرح‌ها و پیشنهادها، مکتب و سازنده درباره همه رشته‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جامعه ما متبلور شده است.

پشتیبانی جدی عملی و نظری، سازمانی و تبلیغاتی حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند مردم ایران بره‌ری امام خمینی، در متجاوز از ۳۰۰ شماره نامه «مردم» به نحوی انکارناپذیر ثبت تاریخ است.

این پشتیبانی، همچنانکه بر مردم زحمتکش کشور آشکار است، برای مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز مسلم است. حزب توده ایران به پشتیبانی و شرکت فعال در انقلاب شکوهمند مردم ایران بره‌ری امام خمینی، علیه امریالیسم، بسرکردگی امریالیسم امریکا، و رژیم سرنگون‌شده طاغوت، در راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه همگامی افتخار میکند.

این خود یک نمونه بارز از پشتیبانی جدی حزب ما و همه‌امضاء و هواداران آن و با انضباط آن از انقلاب شکوهمند ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است که تاکنون، در نهایت کوشش و متانت انقلابی، به دام تحریکات مفسدین، بدخواهان و دشمنان انقلاب و یا عناصر ناآگاه و تحریک‌شده نینداخته‌اند و از ایجاد تنش و درگیریهای ممکن جلوگیری کرده‌اند.

حزب توده ایران احترام - در عمل و نه تنها در گفتار - به قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و رعایت این قوانین و نظامات، فعالیت آشکار در چارچوبه این قوانین و نظام را وظیفه اصولی و اساسی خویش محسوب میداند. بگذارد آن «شخص متفرقه» غیرمسئول، و حتی گاهی هم مسئول، که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی می‌زند، یک مصدم آن احترام واقعی و پشتیبانی عملی را که حزب توده ایران نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد، از خودشان بمنمه ظهور و بروز برسانند.

داسنان کل جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله موسوی اردبیلی در آخرین مساجبه تلویزیونی خود متذکر شده‌اند که، تاخیر در استرداد دفاتر گروه‌ها به آنها، گویا مربوط به لزوم بررسی چیزهایی است که در این دفاتر هست آمده است که این امر نیز بدادسرای تهران ارجاع شده است.

حزب توده ایران با صراحت و قاطعیت اعلام میدارد که در دیرینه خانه کمیته مرکزی این حزب و دفتر نامه مردم و دفتر حزب در شهرستانها هیچ چیزی که مخالف و مغایر قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، وجود نداشته است و نمیتواند وجود داشته باشد.

آنچه که مربوط به دفاتر دیگر گروه‌ها میشود، باید متذکر بود که هجوم خوسروانه و اشغال دفاتر به‌زود و در اشغال نگه داشتن از سوی کسانی که خصوصاً آشکار خود را نسبت به این گروه‌ها پنهان نمیکنند، آنهم برای مدت چند هفته، آنچه را که اکنون در این دفاتر ممکن است پیدا شود، از لحاظ حقوقی و قانونی فاقد هرگونه اصالت میسازد.

در مورد اطلاعیه داسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر باید گفت، کاملاً آشکار است که این اطلاعیه اولاً صریحاً مخالف اطلاعیه قبلی دادستان کل کشور (مورخه ۵ مرداد) است. ثانیاً - فاقد هرگونه منطقی قضائی و اساس حقوقی است.

نمیتوان فعالیت سازمانی را که طبق اصل صریح قانون اساسی صورت گرفته و میگیرد و خلافت قانون بودن این فعالیت بوسیله هیچ محکمه یا ارگان رسمی دیگری به ثبوت نرسیده است، با یک اطلاعیه «ممنوع» اعلام کرد و «تعمین تکلیف» آنرا به «مجلس شورای اسلامی» در آیه موکول ساخت، و در حقیقت مجلس شورای اسلامی را نیز به نوعی در مقابل عمل انجام شده قرار داد.

ما به این عمل داسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر، که در واقع پشتیبانی از عناصر غیرمسئول، ناقض اطلاعیه رسمی دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، یعنی «خلاف تصریح قانون اساسی و مصالح عالیله کشور و دستور قرآن کریم» است. اعتراض میکنیم و از دادستان کل کشور می‌طلبیم که هرچه زودتر امکان فعالیت قانونی دفاتر حزب توده ایران و نامه «مردم» را در مناطقی که معرض هجوم و اشغال عناصر غیرمسئول قرار گرفته‌اند، فراهم سازند.

امریکائی مردم ایران را گاه حتی کار خود امریالیسم امریکا وانمود میکنند و معتقدند که امریکا میخواهد مسئله گروگانهای جاسوس لاینحل بماند و بدینجهت هر باز که بنا بوده این مسئله مطرح شود، بطریقی کوشش کرده است که از طرح آن جلوگیری بعمل آورد اینان، بی آنکه خود بخوانند امریالیسم امریکا را قدر قدرتی میدانند که انگشتش در همه جریانات سیاسی هست و بدینسان نیروی خلق را بی‌بخت میکینند.

آنان که با اشغال جاسوسخانه و اسارت جاسوسان امریکائی مخالفت‌اند، این عمل اثر بخش ضد امریالیسم، بسرکردگی امریالیسم امریکا، عریان و بی‌پرده نشان داده

مردم و پاسداران

بقیه از صفحه ۱

«کمیته‌ها بالاترین خدمت را بعد از انقلاب به مردم کرده‌اند»، اگرچه «دولت موقت کمیته‌ها را بیاد انتقاد گرفت».

آقای مهدی باقری کنی معاون کمیته مرکزی، نیز گفت: «پاسدارخطا کار بزرگترین کمک راه به ضد انقلاب میکنند، چرا که برخی میتوانند ناراضی در جامعه پراشند».

آقای سیدصدرالدین شریعتی، مسئول بخش بررسی وضع کمیته‌های تهران، اظهار داشت:

«افراد مختلف از طبقات گوناگون وارد کمیته‌ها شده و با بدست آوردن اسلحه انجام وظیفه می‌کردند و در بین افراد کمیته عناصر ناصالحی هم رخنه کرده و همین‌ها باعث مشکلاتی در کمیته‌ها شدند».

آقای جلالی خمینی، مسئول منطقه شرق تهران، نیز اظهار داشته است که باید کمیته‌ها تصفیه و پاکسازی شوند و «پاسداران عملشان منضبط شود».

همه این اظهارات از روی علاقه ایمان به پاسداران، این فداکاران راه انقلاب، بیان شده است. و هدف آن تحکیم و تقویت این نهاد انقلابی است. تصفیه پاکسازی جدی، که توصیه مکرر امام و خواست دست‌اندرکاران، مسئولان متعدد انقلابی و همه مردم انقلابی است، عنصر مهم این تحکیم و تقویت بشمار میرود. پاکسازی در عین حال هرگونه اسلحه تبلیغاتی و تخریبی را از دست ضد انقلاب میگیرد و به آنها هیچگونه بهانه‌ای برای دگرگون جلوه دادن سیاسی پاسداران و کمیته‌ها نمیدهد. خصلت اساسی این نهاد اولاً

خصلت مقاومت و دفاع از انقلاب و سرکوب ضدانقلاب است، و ثانیاً خصلت مردمی بودن و متکی به توده‌ها بودن آن. اگر کمیته‌ها و پاسداران چنان عمل کنند که مخالفین آنها فقط ضد انقلابی‌ها باشند نه فقط جای هیچ حرفی نیست، بلکه مایه نهایت خرسندی است، زیرا نشانه آنست که تیر بهدف اصابت کرده و وظیفه بدرستی انجام شده. اما اگر نارضایان از میان توده مردم باشند، آنوقت معلوم است که یکجای کار می‌انگد و نیروها یا عناصر انقلابی، بالقوه انقلابی و یا بالفعل انقلابی، به خطا، هدف قرار گرفته‌اند.

آقای شریعتی بدرستی گفته است: «افرادی که ضد انقلابند، حرفشان واهی است، هیچ وقت هم جای تهاجمی بین آنها و کمیته‌ها نخواهد بود». این منی کاملاً درستی است. هرگز نباید که «تفاهمی» در این زمینه حاصل شود، که نفی انقلاب است و افکار خصلت اصلی این نهاد، هر قدر داد رادیوهای ضد انقلاب و فریاد همه ضد انقلابیون بیشتر بلند شود، معلوم میشود که پاسداران بهتر کار کرده‌اند.

آقای سید عبدالعزیز ابروئی، مسئول منطقه ۱۲، بسیار دقیق و درست، بی‌امون مشکلات موجود گفته است: «تا روزیکه مردم با کمیته‌ها همکاری نکنند، این مشکلات قابل ذکر نیستند».

درواقع هرزیشه و اساس مسئله همین است. همکاری مردم با کمیته‌ها و پاسداران و عدم تفاهم بین کمیته‌ها و پاسداران با ضد انقلاب. این است آن حلقه اساسی که سرنوشت این نهاد بسیار حیاتی و مهم را تعیین خواهد کرد. پاکسازی انقلابی، جهت رسیدن باین هدف باید باشد. در این صورت پاکسازی بمعنای تحکیم و تقویت آن خواهد بود. باین عامل رفع ناراضی‌های تسلیحاتی و رفتار کاتی و همچنین میثتی راهم اگر بی‌اثرانیم، محکمترین تودهنی‌ها را به دسائس ضد انقلابی‌ها و رادیوهای ضد انقلابی، که خواستار «انحلال پاسداران و کمیته‌ها» هستند، زده‌ایم.

این خود یکی از مهمترین اهرم - های تحکیم و تقویت پاسداران و کمیته‌هاست که درست در نقطه مقابل دسائس و خواست ضد انقلاب، وظیفه میرم انقلاب و همه انقلابیون است.

آقای سید مهدی دروازه‌ای، مسئول سابق منطقه ۷، در معاصبه‌ای با «کپیان» گفته است که افزایش زیادی بعنوان پاسدار در آن (کمیته‌ها) نفوذ کردند، که متاسفانه در بین آنها افراد ناصالح هم بودند. وی بدرستی خاطر نشان ساخته است که:

«ناراضی مردم از کمیته‌ها معلول همین افراد ناپاک در کمیته‌هاست». و ابراز امیدواری کرده است که: «بعد از پاکسازی این ناراضی از بین خواهد رفت».

این سخن ناشی از علاقه به بی‌بید و کارست، زیرا همچنانکه خود آقای دروازه‌ای بیان کرده است:

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

چریکهای اکثریت و کردستان

اخیرا بیانیه مشترکی از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) و گروه قاسملو، تحت عنوان "در باره صلح و نیروهای ضدانقلاب در کردستان" انتشار یافته، که موجب نهایت ناسف، تحقیر و تکرانی است.

"بیانیه" در "کار" ۷۱ انعکاس نیافت، ولی ماسانه صحت آن نیز تکذیب نگردید. این امر بدان معناست که "اکثریت"، علیرغم عدم تأکید بر روی "بیانیه"، هنوز عمق اس اشتباه بزرگ را دریافته است، که این خود اشتباه بزرگتری است.

"بیانیه مشترک"، که در شرایط فوقالعاده حساس کنونی کردستان انتشار یافته است، سخنان درستی را درباره موقعیت کنونی انقلاب ایران، دشمنان انقلاب و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و توطئه‌های عظیم آنها علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. ولی از آنجا که "بیانیه" به تمامی بر نقش خائنان و توطئه‌گران قاسملو و همفکرانش برده می‌کشد و آنها را جزو نیروهای انقلابی (!) جامیزند، از آنجا که تلاش گروه قاسملو را برای فریب توده‌های خلق کرد و همدستی آنها را با دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران کتمان میکند، و بالعکس، این مزدوران را مخالف این اعمال می‌نماید، نقض عرض است و بجای افشای ضدانقلاب، به آن باری میرساند.

چرا و چگونه چریکها چنین دام عظیمی را بر سر راه خود تشخیص ندادند؟ آیا آنها از واقعیت وجود گروه قاسملو بی‌خبرند؟ آسانسار و سواهد متعدد، که بویژه توسط حزب توده ایران انتشار یافته است و ماهیت راست و خودفروخته قاسملوها را می‌نمایند، هنوز جایی برای خوش باوری و ساده اندیشی (آنهم تا بهایی حد) باقی میگذارد؟ "اکثریت" به دشمنانهای غلاظ و سداد قاسملو و همفکرانش علیه امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، که در بیانیه انعکاس یافته است، دل خوش داشته، اما بر روابط گسترده و آشکار (بویژه به برکت افشای چریکهای حزب توده ایران) این دار و دسته سا جنایتکاران یعنی و مزدوران امپریالیسم آمریکا، جسم فرو بسته و به بیکاره آب تطهیر بر سر آناه ریخته است. چرا؟

آیا چریکها مفهوم سوبه گرگ را درک نمی‌کنند؟ (البته قاسملو گرگ نیست. او عامل بعث عراق و امپریالیسم آمریکاست، که آگاهانه برای تامین منافع ویژه اربابان سرمایه و جنایتکاران انحصارات بین‌المللی، به حزب توده ایران، اردوگاه سوسیالیسم و انقلاب ایران و دستاوردهای آن نفرت می‌ورزد و برای اجبای منافع اربابان خویش، می‌درد، به خون می‌کشد و نابود می‌کند. چریکها فریب مکر جنبش "ترکمی" را خوردند) که ۴ روز و یزده نامه خبر ۳۲ اکثریت می‌نماید، "که ۴ روز قبل از "بیانیه" انتشار یافته است، نشان میدهد که، چریکها با "گرگانی" که دریدن را تفسیح می‌کنند، نالسا نیستند. آنها در این ویرانه‌ها، ضمن افشای حامد بیگ، از مزدوران بعث عراق، که دستگیر شده است، ضمن اعلام روابط گسسته این مزدور با بعث عراق و وابستگان داخلی آن، می‌نویسند:

"ما نوار اعترافات حامد بیگ را نیز منتشر خواهیم نمود، تا مردم خود قضاوت کنند چه کسانی در ظاهر علیه بعث شعار میدهند و در عمل با کثیف ترین مزدوران بعث عقد اتحاد می‌بندند. وجود حامد بیگ سند محکومیت گسانی است که بنام خلق علیه خلق توطئه می‌کنند و برای پوشاندن روابط زشت خود با مزدوران بعث دست به توافقی می‌برند.

چریکها می‌افزایند:

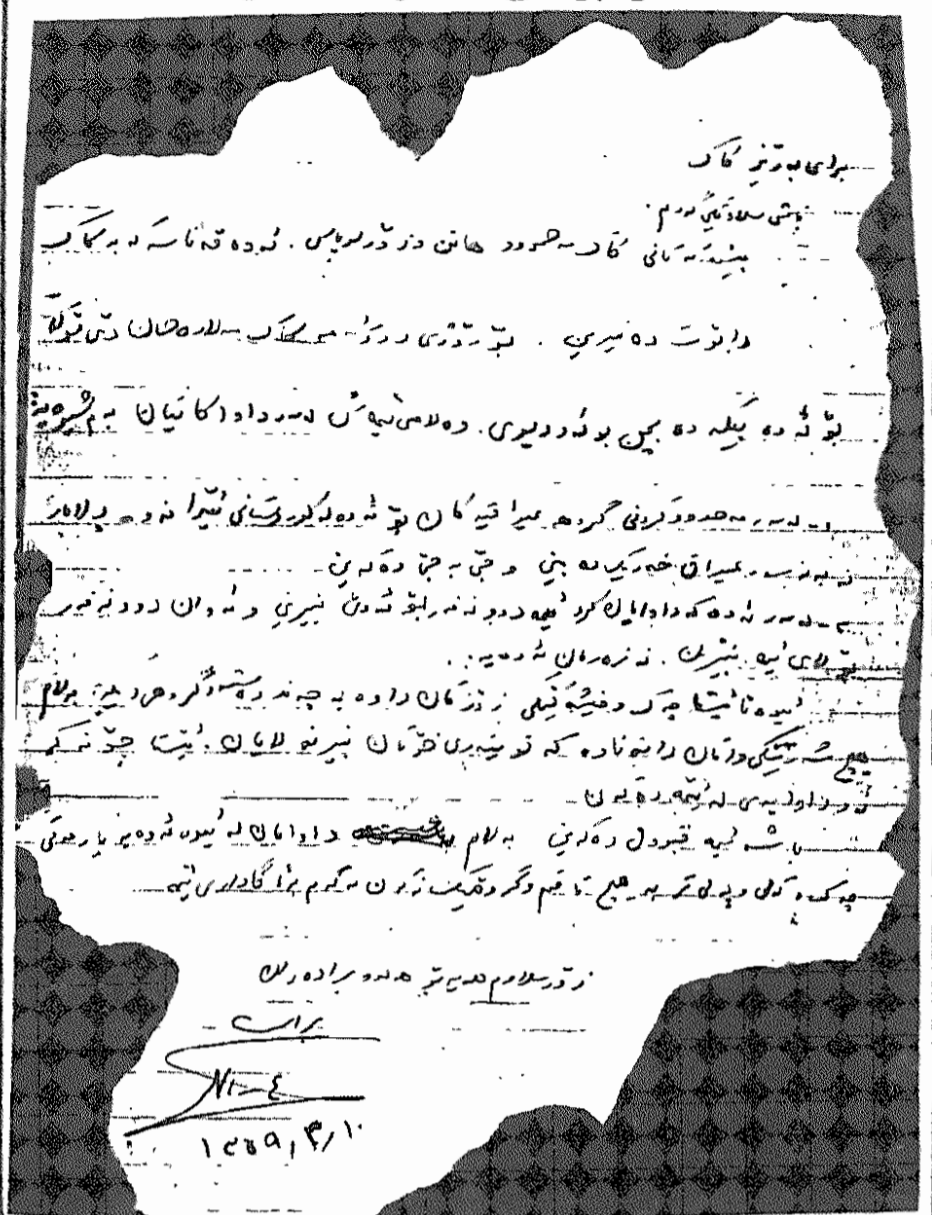
"گسانی پیدا شده اند که میکوشند رپرپوتش دفاع از حقوق خلق کرد و مقاومت در مقابل جنگ افروزیهای هیئت حاکمه (!)، با رژیم بعث روابط بد، بستان برقرار" نمایند.

و:

"هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعث و سایر ایادی امپریالیسم ارجاسب نیروهای انقلابی و ترقیخواه گرفته نشود، آنها بر سرچشبین ملی خلق کرد در ایران... بلای را خواهند آورد که..."

موقعیت نیروهای وابسته به بعث در کردستان ایران در فاصله سال گذشته و حتی چند ماه قبل این حقیقت را ثابت می‌کند که، هرگاه به مبارزه

سند سر سپردگی قاسملو به بعث عراق



برادر گرامی...
 س از سلامهای گرم
 بيشميرگه‌های گام محمود آمدند. خیلی ممنون. اينهم قه‌ناسه که بوسيله کاک... براي مي فرستم. روز سه‌شنبه کاک ملا رحمان نزد شماي آيد تا با هم به نسوي مزر برويد. جواب مامم درباره تقاضاهای آسان بدیتقرار است.

۱- در مورد محدود کردن گروهیهای عراقی تا از طریق کردستان به عراق حمله نکنند، مافعالیت می‌کنیم و درست می‌کنیم.

۲- در مورد تقاضایان که ما در نرفرا به آنجا بفرستیم و آنان نیرودن نرفرا بفرستند، نظر ما اینست: س تا کنون اسلحه و مهمات زیادی به جند دست و گروه داده‌اید. اما چنین شرطی که نمایند خودتان رانزد آنان بفرستید، برایمان نکند است. حال حضور سده که این تقاضا را از ما دارید؟ با تمام قبول می‌کنیم. اما تقاضایان از شما اینست که گروهیهای دیگر کمک سلیحاتی وغیره نکنید، مگر با اطلاع ما.

برای برادران سلام زیاد دارم.
 برادرب - قاسملو
 ۵۹/۳/۱۵

توجه کنید

سراپتبه انفراد و تکس... سان داد که حکونه ایان، دشمنان آشکار خلق کرد و مزدوران بعث عراق و امپریالیسم آمریکاجون گومله‌ها، علیارها و... را، از رهبر مسیحین خود می‌سمارند. نامه "مردم" در این مقاله اعلام کرده که، علیرغم دشمنیهای آسین قاسملو و همفکرانش علیه امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، عملکرد آنها را آشکارا در خدمت اهداف بنیاد این دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران می‌بینند.

در تاریخ ۲۳ تیرماه ۵۹، نامه "مردم"، ضمن اسهای نامه "برادراته" قاسملو و همفکرانش، افسر فراری ساهنشاهی و از وابستگان امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، بیوند نزدیک وی را با دشمنان انقلاب ایران نشان داد.

در همین شماره، نامه "مردم" از ملاقات محرمانه قاسملو با کله جزوای، معاون رئیس جمهوری جلال مردم عراق، برده برداشت و افشا کرده که قاسملو از علی‌قاسی (معروف به کوری رهش) عامل دیگر سیا و بعث عراق، مقادیر زیادی سلاح بشرط آنکه علیه "هیئت حاکمه" و حزب توده ایران بکار رود - دریافت داشته است.

نامه "مردم" در تاریخ ۱۸ تیرماه ۵۹، از رابطه قاسملو با "ناتو" برده برداشت و اعلام کرده که این مزدور ۹ میلیون دلار برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران و با نتیجه علیه منافع خلق کرد، از اتحادیه نظامی سرمایه‌داری جهانی "کک" گرفته است.

نامه "مردم" در تاریخ ۱۴ مردادماه ۵۹، ضمن انتشار نامه شورای فرماندهی سپاه سکو به قاسملو و همفکرانش، اعتراضات این بخش از نیروهای صدیق خلق کرد را علیه اعمال خائنان و توطئه - گرانایان، منعکس ساخت و در همین شماره خاطرنشان ساخت که قاسملو در یک سخنرانی به تاریخ ۵/۷/۵۹، گرفتن "کک دولتهای دیگر" مورد تأکید قرار داده و افزوده است که "تاسرح نابودی خواهیم جنگید"

نامه "مردم" در تاریخ ۱۶ مردادماه ۵۹ (روز پیش از امضای "بیانیه مشترک")، سند تکان دهنده‌ای منتشر ساخت که در آن وابستگی تام و تمام قاسملو به بعث عراق، با وضوح تمام به اثبات رسیده بود. در این سند، قاسملو سر سپردگی خود را به بعث (فرستاده بعثی)، فعالیت های قاسملو و همفکرانش را مورد نظارت و هدایت قرار دهند.

اندکی بعد، یعنی در تاریخ ۲۴ مردادماه ۵۹، نامه "مردم" از ملاقات محرمانه قاسملو با اختیار خائن برده برداشت و اعلام کرده که ایندو در اواخر تیرماه ۵۹ در عراق جهت تسریع مساعی علیه انقلاب ایران با یکدیگر ملاقات کرده‌اند.

"اکثریت" بهنگام امضای "بیانیه مشترک" نمی‌توانست از این حقایق تکان دهنده بی‌اطلاع باشد، برعکس، بعنوان یک نیروی سیاسی مدعی مدافعه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌بایست از همه آنها آگاه باشد. ولی چریکها ظاهراً ترجیح داده‌اند که بر این حقایق چشم فرو بندند و به دیگران اعلام کنند که "گرگ" طبیعت خود را تغییر داده است و با این اقدام خود ظاهر اکوشید - اند که به "گرگ" نیز قبولانند که طبیعت خود را تغییر دهد!

چریکها نه فقط با تازیانه این حقایق دهستانک هسیار نرسند، بلکه حتی حقایق را که خود بدانها بی برده بودند نیز کتمان کردند. آنها چهار روز قبل از امضای "بیانیه مشترک"، از حامد بیگ، مزدور بعث عراق، بسیار چیزها شنیده بودند. آنها میدانستند که حامد بیگ اصولاً برای ملاقات با قاسملو به مهاباد آمده بود است و س از این ملاقات نیز توسط چریکها دستگیر شده بود. چریکها سه سؤال نخستین را که حامد بیگ به آنها پاسخ داده بود، منسرخاکنند و علیرغم آنکه خود همسواره ناکید می‌کنند که "نباید به مردم دروغ گفت"، ۴ روز بعد، بیانیه‌ای با گروه قاسملو امضا کردند، که در واقع به مردم کرد و دیگر نیروهای صدیق، دروغی بزرگ در مورد ماهیت قاسملو ها حویل ممداد.

اسباه عظیم چریکها بویژه در آنجاست که آنها بوحید کرده‌اند که اس قاسملو و همفکرانش نیستند که با آنها "بیانیه" مشترک امضا کرده‌اند. چریکها در سب در زمانی نالین باند خائنین به توافق رسدند، که دوامه قبل آران (در تاریخ ۱۰ خرداد ۵۹) قاسملو با بعث عراق به توافق رسیده بود، که در فبال بجهت مادی و سلیحایی او و گروهس، سرسردده کامل آنها باشد و دوعراقی را بس برای نظارت بر اجرای این عهد بدگی بپذیرد. آ، چریکها بی‌آنکه خودخواهند، با آن دو "ناظر" عراقی و با رژیم بعث عراق، "بیانیه مشترک" امضا کرده‌اند!

چریکها در زمانی با قاسملو و همفکرانش "بیانیه مشترک" امضا کردند و آنها را خصم امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و امود ساحتی که گروه قاسملو به برک اساز بیانیهای نیروهای مترقی و انقلابی، زیر ضربه سدید افکار عمومی و سروهیهای آگاه خلق کرد و دیگر نیروهای صدیق انقلابی فرار گرفته بودند. امری که

نیروهای وابسته توحه جدی میدول نگردد، دیری نخواهد پایید که نیروهای وابسته به بعث و امپریالیسم از طریق نفوذ در جنبش ملی، به انقلاب مردم ایران و جنبش ملی خلق کرد ضربات جبران ناپذیری وارد خواهند ساخت.

"انظر ما، بدون مبارزه‌ای پیکر و بی‌امان با نیروهای وابسته که همواره در تلاش جنگ افروزی می‌باشند، استقرار صلح و تامین حقوق عادلانه خلق کرد امکان پذیر نخواهد بود."

اما ۴ روز بعد، چریکها این نظریات صحیح، بجا و مسئولانه را در شمال "ترکی" بسیار خطرناکتر ارجامد بیگ به فراموشی می‌سارید. فراموش می‌کنند که کسانی با بعث مسوود که در ظاهر علیه بعث شعار میدهند و در عمل با کثیف ترین مزدوران بعث عقد اتحاد می‌بندند، فراموش می‌کنند که "کسانی پیدا شده‌اند که... زیرپوشش دفاع از حقوق خلق کرد... با رژیم بعث روابط بد، بستان برقرار (می‌کنند)" - فراموش می‌کنند که "هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعث گرفته نشود،... به مبارزه با نیروهای وابسته توحه جدی میدول نگردد"، جنس خلق کرد لظلمات هولناک خواهد دید و به انقلاب ایران بر صریاب جدی وارد خواهد شد.

در "بیانیه" آمده است:

"سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان (مظهور گروه قاسملو است) همواره (!) بر این امر تأکید داشته‌اند که مسالده کردستان راه حل نظامی ندارد، و اینکه در صورت ادامه جنگ... فرماندهان مزدور و خاص ارتشی... سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم (که لاند قاسملو و همفکرانش جزو آنها هستند!) امکان می‌یابند... کودتای دیگری را... برای تحکیم مجدد سلطنتوم امپریالیسم آمریکا، تدارک بینند."

"سانه مسرک" اعلام کرده است که گروه قاسملو به بعث عراق، "بیانیه مشترک" امضا کرده‌اند!

رژیم «سیا» ساخته و فاشیستی شبیلی، ایران انقلابی را به «وابستگی» و «نقض قانون» متهم میکند!

"سیا" بروردهای، که درقبال دسیسه های تجاوزکارانه و مداوم امپریالیسم آمریکا به حاکمیت و تمامیت کشورمان، حتی یک کلمه ازارباب مذمت نکرد، و نمینوانست هم بکند، اینک گستاخانه از "نقض قوانین بین المللی" سخن میگوید!

تصمیم دولت ایران مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک با سلی، به عنوان "اعراض بهادامه سیاست اختناق و سرکوب"، درست درآسانه یکی از فاض ترین نمونه های نقض فاشیستی رژیسی اعلام گست که، قانونی نمایی آن در مدارک "قانون اساسی" قلابی، نسیا عمق ماهیت مزورانه، خوننای شبیلی را نسان می دهد.

به موجب این "قانون اساسی"، جلداسیلی، که درهفت سال پیش نسیا "قانونیت" آن تکیه بر سر نیره بوده است، سس سال دیگر براریکه قدرت باقی خواهدماند. وی سس از آن نیز، چنانچه "ضرورت" (بخواس؛ ضرورت ادامه رژیم ترور و اختناق) ایجاب کند، این حق "قانونی" را خواهد داشت، که برای یک دوره دیگر به جنایات خود ادامه دهد.

پیس نویس "قانون اساسی"؛ پینوشه به "دادگاههای" شبیلی این حق "را میدهد که علیه "شرعاًقاید و اخباری که با اخلاقیات، نظم عمومی، امنیت ملی و زندگی خصوصی شهروندان، مغایرت دارد"، به مقابله بردازند.

دراین متن عین اظهاراتی که دیکتاتور شبیلی درهفت سال گذشته بارها برای توجیه "قانونی" رژیم ترور و اختناقش بکار برده است، تسجیل "قانونی" می یابد.

طبق این "قانون اساسی"، فعالیت همه احزاب و سازمانهای سیاسی "موادار دکتترین هایی که مشوق قهرستند و نظارتشان در باره جامعه، دولت و نظم قضایی برپایه خودکامگی و نبرد طبقاتی استوار است"، ممنوع اعلام شده است. فزون براین، درینجال آینده، پینوشه و خوننا "سنا" رانیز برخواهندگزید. این ماده "قانونی" بلافاصله حکومت فاشیستی فرانکو را بیادمی آورد. هرچه باشد یکی از طراحان "قانون اساسی" کذایی، خائیم گوزمن، مساور "ایدئولوژیک" و یکی از مریدان سرسخت دیکتاتور اسپانیاست. واقعا، و قاحت (بخواس؛ پینوشه) میخواهد که، سرکرده رژیم "سیا" ساخته، درآستانه چنین قانون سکنی آسگار، ایران انقلابی را به وابستگی و نقض قانون متهم کند.

به گزارش جبرکراری فراسه از ساسیاکو، بیوسه سرسرده امپریالیسم آمریکا درسلی، "عوامل هوا-دار سوروی" رادر دولت ایران منجم کرد که به موجب قطع روابط دیپلماتیک میان سلی و ایران سدهاند! همحیی وزارت خارجه سلی، دراطلاعه ای، ایران را به نقض "قوانین بین المللی" و "مداخله در امور داخلی" متهم ساخته است.

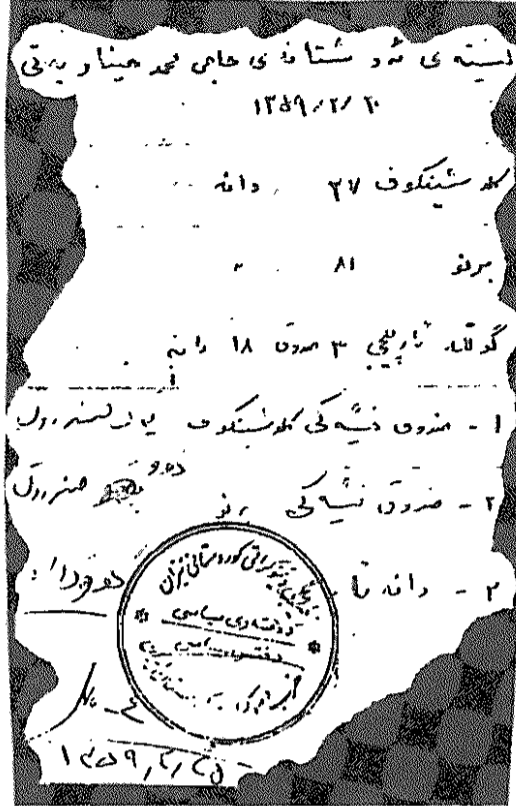
به این بریب، می بینیم که اقدام درست و سبب دولت ایران مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک با رژیم سینگار سلی، چنانچه انتظار صرف، خصم رماژ داران آن کشور را برانگیخته است. این خصم نه بنیای همه انقلابیون را سادمان می کند، بلکه اس نا-سف آتیا را هم نا-بید می کند که، حرا این تصمیم نجا، در نخسین لحظات سس از بیروزی، "ملا" با بنای قطع روابط دیپلماتیک با رژیم نراد برست آمریقای جنوبی، اعلام نسد.

بیوسه و دارو دسهاس با واکس نامرده، سرست مزورانه و وابستگی عبودت آمیر خویش رابه امپریالیسم آمریکا باردیکر به نبوت می رسانند. عنصر لبید و خائسی، که به گواهی خود مقامات آمریکائی، به یاری فعالانه "سیا" و با کودتایی خون بار، حکومت قانونی و خلقی آلتنده را واژگون ساخت و هفت سال است که با دست بازی به وحشیانه ترین ددمنشی ها به حکومت سرکوبگرانه خود ادامه میدهد اینک قطع روابط دیپلماتیک ایران را با سلی، نتیجه وجود "عوامل هوادار سوروی" در دولت ایران می داند و از نقض "قوانین" سخن می گوید!

ادعای وجود "عوامل هوادار سوروی" در دولت ایران، که گویا در نتیجه اعمال نفوذ آنها، روابط دیپلماتیک با سلی قطع شود، حنا مبدل است، که حاجت به پاسخ ندارد. اما این ابتدال بار دیگر سان می دهد که چگونه حتی خائسانی رسوا، چون پینوشه، برای استتار وابستگی خود به امپریالیسم آمریکا و یوساندن رژیم فاشیستی خویش، از سلاح کهنه ضد کمونیسم و ضد سوروی استفاده می جویند. بیوسه، در این زمینه هم، عین تبلیغات پوچی را تکرار می کند که مراکز جنگ روانی امپریالیسم و ارتجاع جهانی درباره باصطلاح خطر کمونیسم، در ایران روز و شب به خورد عام می دهند.

انتقام نقض قوانین بین المللی "پینوشه و دستهای هم بیچ روی متکرانه نیست. مگر نتا که کشورهای امپریالیستی و رسانه های گروهی اجیرشان از نخستین ساعت های سس از بیروزی انقلاب ایران و بویژه بعد از تسخیر انقلابی جاسوسخانه آمریکادر تهران، درباره باصطلاح نقض قوانین بین المللی در ایران رجز میخوانند؟

رسید قاسملو درقبال تحویل اسلحه عراقی



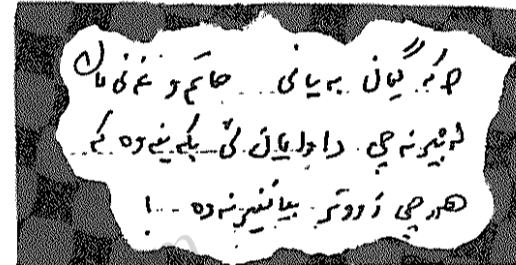
ترجمه سند

لیست اسلحه های تحویل داده شده است: ۵۹/۲/۲۰
کلاسیکوف ۲۷
برنو ۸۱
کلوله آر پی جی ۳ صندوق ۱۸ عدد
۱- فنک کلاسیکوف یک صندوق
۲- فنک برنو دو صندوق
۳- تعداد آر پی جی دو عدد
مهر دفتر سیاسی د ک ا
ع- قاسملو
۵۹/۲/۲۵

توضیح سند

منظور از حاجی محمد، حاجی محمد چیان است که در منطقه استویسه رندکی می کند. وی بدستور قاسملو تا بحال دوباره به عراق رفته و اسلحه وارد کرده است. وی با علی قاضی (کوروی هس) و سردار جاف ملاقات داشته است. او همچنین رابط بین محی الدین هرکی از عمال سرشناس بعث عراق و رسید یک چنانگی نیز هست.

افسران قاسملو در عراق آموزش می بینند



ترجمه سند (پشت سند پیشین)

برادر جان حاتم و غنی را فراموش نکنیم از آنها بخوایم که هر چه زودتر برشان گردانند.

توضیح سند

منظور از حاتم، ستوان خلبان حسن حاتم است، و منظور از غنی، یک گروهان فراری نیروی هوایی است. این دو بدستور قاسملو تا کنون چند بار به عراق رفته اند و یکماه نیم در عراق دوره خلبانی هلیکوپتر در شهرهای موصل و کرکوک دیده اند، تا در موقع لزوم هم با یگانهای مبارزان عراقی را در خاک ایران بمباران کنند و هم در توطئه های خائنه علیه انقلاب ایران مشارکت نمایند. این دو تا کنون قریب به نیم میلیون تومان پول عراقی و دهها قبضه اسلحه نیز وارد خاک ایران کرده اند. حاتم فرماندهی نیروهای پیشمرگ در منطقه ترگور و گور را بدستور قاسملو بر عهده دارد، و غنی معاون اوست.

نه شامی با ترن اسیر عراق رفته اند که چه خبرتان کردید؟
در آنجا خورا بنام نانیده دفتر ماست
عزالدین سرزی ندرم خبری
سک خنده در بارگرتن اسیر عراق رفته اند؟
چه خبرتان کردید؟
تا کزن سر بار عراق رفته ام

۱- شما وقتی برای گرفتن اسلحه عراق رفعت خود را تحت چه عنوان معرفی کردید؟
در آنجا خود را بنام نماینده دفتر ما معرفی نمودم.

۲- تا کزن چند مورد برای گرفتن اسلحه به عراق رفته اید؟
تا کزن سه بار به عراق مراجعه نمودم. سید قبضه کلاشینکوف و بیرو و پنج قبضه آبی جی ۷ تحویل گرفته ام. مقدار زیادی هم فشنگ بیرو و کلاشینکوف و موشک آبی جی هموا اسلحه های که از رژیم بعث تحویل گرفته ام بوده است.

سه سوال نخست را در پیشگاه مردم افشا کنید!

۱- چرا رژیم بعث عراق اسیران را در عراق رها نکرد؟
۲- چرا رژیم بعث عراق اسیران را در عراق شکنجه کرد؟
۳- چرا رژیم بعث عراق اسیران را در عراق کشت؟

مهرور رژیم جنایتکار بعث عراق

خشم و کین دیوانه وار آنان را برانگیخت و چهره واقعی این مزدوران بعثی را از زیر دعای دمکرات - مابانه آنها عیان ساخت. قاسملو و دستیارانش، چون کریم حسامی ها، درقبال این افشاگریها به دفاتر حزب توده ایران حمله کردند، آنها را به آتش کشیدند، اعضا و هواداران حزب توده ایران را مورد ضرب و شتم قرار دادند و شخصیت های انقلابی و صدیق خلق کرد را برودند و تهدید به مرگ کردند.

چریکهای زمانی با گروه قاسملو به "توافق" رسیدند که بخوبی میدانستند، نیروهای صدیق و انقلابی در حزب دمکرات کردستان ایران، بسی پیش از آنکه چریکها ضرورت تامین صلح در کردستان را تشخیص دهند و ادامه جنگ برادرکنشی را بسود امپریالیسم آمریکا و اصولا برافروخته شدن جنگ را از ناحیه عوامل امپریالیسم و بعث عراق، بدانند، از امر صلح در کردستان مدافعه کرده و با آتش افروزان، یعنی باند قاسملو، جدالی سهمگین، ولی بی نتیجه را در درون حزب دمکرات کردستان، به انجام رسانده بودند. چریکهای بخوبی میدانستند که قاسملو و همفکرانش از عوامل اصلی جنگ اخیر در کردستان بوده اند و در زمانیکه احمد عزیز و فاروق کیخسروی (مسئولان سندج و سفروانزهریان پیروکنگره چهارم) طی اعلامیه هایی جنگ و درگیری را محکوم کرده و خواستار صلح و آرامش بودند دستور شرکت در جنگ را صادر کرده اند و میسر، گروهیان فراری رکن ۲ و مسئول نظامی حزب دمکرات در سندج، بدستور قاسملو با کومله همکاری کرد و حزب دمکرات و کردستان را در جنگ برادرکنشی درگیر ساخت.

چریکها درست در زمانی با قاسملو "بیانیه مشترک" امضا کردند و در آن اورا کسی که معتقد است "ادامه و گسترش جنگ برادرکنشی در کردستان، بی زیان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران است" خواندند، که فاروق کیخسروی و احمد عزیز، درست بدلیل صدور اعلامیه های فوق - الذکر و مخالفت با جنگ افروزی قاسملو، در زندان باند قاسملو بسر می بردند (ومی برند) و جان آنها در خطر جدی قرار داشت (ودارد). آیا این برخورد کبک وار، به مسخره گرفتن حقایق نیست؟

آنها که ۱۸ ماه است ریلوای "دفاع ارحفوق

خود (اعتباری که بویژه در پی موضعگیری مثبت اخیر بدان دست یافته اند)، بر اعمال خائنه قاسملوها، برده کتمان کشیده اند و با این عمل در واقع به انحراف افکار مردم کرد از توطئه ایان، کمک کرده اند و اعضا و هواداران خود را نیز به سردرگمی و نشتت دچار کرده و عمل آنها را در مقابل توطئه های قریب الوقوع قاسملوها، فلج و عقیم ساخته اند.

این موضعگیری بشدت نادرست باید هر چه - سریعتر و قاطعانه تر، از روی صدق و سجاقت، جبران کرد. هر لحظه تاخیر در تصحیح قاطع این موضع، استیاب را با عادی بزرگتر و جبران نا بدیر تری بخشد. چریکهای اکثریت باید هر چه سریعتر به جبهه نیروهای راستین صلح دوست و ضد امپریالیسم در کردستان، بازگردند و دامان خود را از دستان لبید و خون آلود کرکان بویه نادیری چون قاسملو ها برهانند.

خلق کرد"، در امراتمین صلح خرابکاری کرده و ضربات جدی بر اعتبار و نفوذ حزب دمکرات کردستان ایران وارد ساخته اند، آنها که جسم بر گسترش دامنه فعالیت گروه های مزدور بعثی فرو بستو اشغال خرنده کردستان را توسط بعث عراق و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا، نادیده گرفته اند، با آنها همکاری کرده اند و از مقابله با آنها مخالفت نموده اند، آنها که طبق حقایق افشا شده، روابط مستحکمی با مزدوران کودتاجی امپریالیسم در ارتش برقرار کرده و در بستر توطئه های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق علیه انقلاب ایران، از هیچگونه همراهی وهمدلی، فروگذار نکرده اند و اکنون نیز منظر فرصت اند، تا در اجرای توطئه عظیم دیگری با آنها تشریک مساعی کنند، و بالاخره آنها که سرسردگی بی چون و چرای خود را به بعث عراق و

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

دهقانان میثوریست

شورای ده آبگرم کوار احتیاج به حمایت دارد

روستای آبگرم کوار، ارواح اسان فارس است. رئیس سابق انحصار دهورئیس سابق شرکت تعاونی این روستا (ارمان رستم ساسانی) از وضعیت خود سوءاستفاده کردند و مملعی مول واحسان شرکت تعاونی روستا را به سرقت بردند.

مدتی پس در دهه مذکور، ساغرارت سیاه پاداران، انتخابات شورای انحصار شد و در فرماندهی بارای ۳۵۰ نفر انحصار شدند. در این انتخابات، رئیس سابق انحصار بعد از سرکرت کردولی اسد انصاف شد. این شخص بعد از سرکرت در انتخابات، به مخالف و کارکنی علیه کارشوراهای برادران خود با حرکت عوامل خود، از کارشوراهای جلوگیری می کند.

حون در این روستا مدرسه راهمایی وجود ندارد، به درخواست شورای مبلغ سی هزار تومان بکفک خود روستائیان جمع آوری شد، تا با مبلغ ۱۰۰ هزار تومان کفک دولت، مدرسه ای برای این روستا ساخته شود. اما سپاه زمین مساعد برای ساختمان مدرسه در این ده، منطبق به همان رئیس سابق انحصار ده است. سورابه این فرد نسبت به کار کرده اس که، نامیسی را بفروشد و نانی که معادل همس زمین در جای دیگر زمین در - اخبار سی کد داده خواهد شد. اما این فرد برای کار - سکی در این ساختمان مدرسه، هیچکدام از تسهیلات های سورا قبول نکرده است.

روستائیان این بار نیز برای بار دوم به دادگاه انقلاب سکايت کردند، تا بلکه از طریق قانونی بتوانند حلقوی کارکنی ها و تحریکات این فرد و عوامل او را بگیرند.

با توجه به این که شوراهای ده قدرت اجرایی ندارند، کارکنی در امور شوراهای مستقیما مخالف با خواست دهقانان و قانون اساسی است. نهاد های انقلاب باید در جهت حواسنهای اهالی دهان، شوراهای را برای کنده، با عوامل کارکنی و وابسته به رژیم گذشته بتوانند به فعالیت های خود ادامه دهند.

درسه کران یک برک مسواک جان بباران را امرک نجات دهد

اخیرا فتوکی نامه ای به امضا ۵۰ نفر از اهالی روستای ننگران (ارواح شخصی من در اردبیل) به دفتر نامه "مردم" ارسال شده است. روستائیان در این نامه می نویسند: "احراما اینجانبان امضا کنندگان زیر به استحضار می رساند که فریه، سه کران با فریب ۳۵۰۰ نفر جمعیت و ۱۰ فریه در حوضه اس بار مبرم به درمانگاه دارد که ساختمان آن در سال ۱۳۵۸ تمام شده و آماده بهره برداری، در

فقر و محرومیت در جنوب کشور بیداد میکند

روزبان محرم نامه مردم آنگاه حزب و ده ایران: مناطق جنوبی ایران بخصوص منطقه سپهرسان سدرلنگد و روستاهای تابعه آن ارحله ساطعی هستند که فقر آسار و سگاری و بی ساطعی در آنجا سداد بی کند.

روز بروز بی سیم روستاهای منطقه سدرلنگد حالی و حالی ار سگد بی سید و غلب حری جز فقر و سگاری و بی ساطعی که همسگرت سگرت مردمان محروم این ساطعی بوده است، نسبت، هیچکدام از روستاهای منطقه سدرلنگد ار سادت برسی و اسدائی برسی امکانات رندکی ارسال کار، سیداس هنگای، بری و آب آسادی سیداسی و غیره بر حوردار سید که اسها غلب عمده کوچ کردن اهالی این منطقه به سهرهای محاور و ده خارج از کشور و سح سسینهای حلیح فارس است. معوان سال:

روستای سدر معونه کد در ۴۲ کیلومتری غرب سپهرسان سدرلنگد واقع است و روستائیان طولایی تا سال ۱۳۴۹ دارای ۵۰۰ نفر جمعیت بوده و اهالی این روستا به اسکال مختلف ارحله ماهی - کبری و آند و رفت ساطرس مری به خارج امرار معاش می کرده اند. برابر رسد سمداری و اسد مردم رحمدکس این روستا همانند سایر رحمدکس کشور سگار شدند. امروز اگر سری به روستای سدر معونه، برسم سسر از ناصد فقر در آنجا سسوان نامف. تاکنون هیچگونه اندامی در راه رفع سگلات کرساگر مردم روستاهای منطقه از طرف مقامات مسئول سده است و اگر به حواسن های اساسی رحمدکس این ساطعی که عمده برسی آنها با یوحه به ساح اصصادی و جغرافیائی آن گاری ساند جوات و رسدکی حدی سسود به نفس مسوان کف که همه ساکس روستای سدر معونه و سایر روستاها بدلیل محرومیت سدد و سگاری به خارج و به سح سسینهای حلیح فارس اروض عرب کوچ خواهند کرد.

(جمعیت اهالی روستاهای منطقه سپهرسان سدرلنگد) * اسدوارم مقامات مسئول با یوحه دسوق به حواسن و سارهای رحمدکس روستائی، رندکی آسان را نامس کرده برای رسد اصصادی منطقه و ایجاد کار برای روستائیان، نکوسد.

صورت ورود بکفر برک، است. با یوحه به برنامه دولت و رهبر انقلاب جهت سح بوسنی فرار دادن تمام روستاها از نظر درمانی و سیداسی و اسک تا بکفر برک می توان درمانگاه توی را افصاح و ساکس حدی فریه را سح بوسنی درمانی فرار داد مصرانه حواسن بریم که توسط سیداری و سهرسی ساطعه های جهت ناردند درمانگاه اعزام و به اسدخدام بکفر برک عمومی منادرت ورزیده تا درمانگاه شروع سگار ساطد.

در ضمن همین نامه به دفتر ریاست جمهوری ارسال کرده است. اسدوارم مقامات مسئول هر حد سسر سیر مبرم اس دهقانان راند برک و دارو بر آورده سارد.

بمناسبت سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کارگران سندیکای فلز کار مکانیک تهران و حومه، پرچم آمریکا را با تاش کشیدند. کارگر، زحمتکش بر ضد کودتایند

* کارگران فریاد میزدند: پالیزبان، پختیار، فرماندهان مزدور، در فکر کودتایند. بمناسبت سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، روز سه شنبه ۲۸ مرداد ۵۹ از طرف سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران و حومه مراسم در میدان گمرک برگزار شد. ابتدا در محل سندیکای سغانی از سوی نمایندگان کارگران فلز کار در ارتباط با سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد ایراد شد از جمله فراسی، یکی از مسئولان سندیکای گفت: «امریالیسم آمریکا در ۲۸ مرداد ماه سال ۴۴ بایک کودتای ننگین توانست اختناق و رژیم دیکتاتوری شاه مخلوع را بر مردم ایران تحمیل کند»

سپس رفیع زاده و ایرانی دوتن دیگر از مسئولان در مورد این کودتای ننگین سخنانی ایراد کردند. رفیع زاده ضمن تاکیدی بر لزوم تشکیل کارگران در سندیکای برای دست یافتن به خواستهای بحق خود، افزود: «ما کارگران در اثر اتحاد و تشکیل است که میتوانیم به حق مسلم خود برسیم. دوستان کارگر، سرمایه داران از دست ترس ما است که بدینجا رسیده اند. سندیکای ما ما کارگران است. حق مسلم ما است. بیاید این سندیکای را تبدیل به سنگر مبارزه علیه سرمایه داری کنیم». ایرانی در مورد کودتای ننگین ۲۸ مرداد گفت:

کفشان دوره گرد مهاباد: ما اصلا فراموش شده ایم



کردم، که این حرح اصلا ما در آمد من سی خواند. و نامی این یول خیلی مشکل است. ما اصلا کوی فراموش سدد ایم."

محمد سیر نسبت سال است که کفاسی می کند. مسکن ندارد و ماهانه نانی در آمد نا حرس ناصد نومان کرایه منزل میدهد. می گفت: "انقلاب باید برای ما کار و مسکن در خور یک اسان شرافتمند فراهم کند."

کمیود وسایل مورد نیاز کفاسان یکی دیگر از مسکلسان است.

قادر سیرت و سکال دارد. می گفت: "کمیود وسایل کفاتی سیر همانند دیگر سیر - مند سیر سیر می خورد. اگر هم پیدا شود، خیلی گران است. در تهران و تبریز هم به اندازه مورد احتیاج به ما جنس نمی دهند. مثلا در مقابل هر دو قوطی واکس مورد نیاز ما، فقط دو قوطی واکس میدهد."

مسکلات و کمیود و نارسایی فراوانی در زندگی این رحمدکس مشاهده مسود. بعد از سیری سدن هیجده ماه از انقلاب، کرانی، سگاری و سگر ناراحتی ها و مسکلات، یاران انقلاب ما را سیدند مسکند. حسان که صوصح می بینیم، یکی از سیر های استفاده بوظنه کران سدانقلابی نارصابی مردم است.

دست ندد هم، در راه سحی یکی ار اساسی - برسی حواسنهای رحمدکس، یعنی نامن کار و زندگی سیر گام برداریم.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد



۷۰ سال است که کارکنان و مدت کوتاهی است که به سندیکای پیوسته و میدان در اثر تشکیل است که میتوانیم بحق خود برسیم. با انقلابی که در کشور ما صورت گرفته، ما کارگران از رژیم جدید میخواهیم که سندیکای این سنگر مبارزه کارگری را بر سیت سنامسد و خواستهای ما کارگران را از نظر سیه، سیداست و امنیت محیط کار، مسکن تامین کند و سسند را نسبت به تورم موجود افزایش دهد و سهرتر از همه ماده ۴۴ قانون تامین اجتماعی را لغو نماید. از آنجا که پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد توسط امریالیسم آمریکا، این ما کارگران بودیم که بیشتر از هر فرد دیگر مورد استعمار واقع شدیم، و رژیم جدید به این امر واقف است، میاید تمام رابطه ما با امریالیسم جهانخوار آمریکا لغو شود، تا مملکت ما بتواند به استقلال خود برسد، زیرا در اثر استقلال است که ما میتوانیم جامعه خود را هر چه بهتر بسازیم»

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از روزهای سیاه جنبش ضد امریالیستی و دیکتاتیک مردم ایران است. در این روز امریالیسم جنایتکار آمریکا و متحدان داخلی آن باند سترزن به یک کودتای نظامی مبارزات توده ها را سرکوب کردند و بعد از آن یک دوره طولانی دیکتاتوری و خفقان بر جامعه ما حکمفرما شد. پس از اتمام این مراسم، در ساعت ۷:۵۰ کارگران متشکل در سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران و حومه، از محل سندیکای با در دست داشتن پلاکاردها و مترسکی از کارت جانی، بحیار خان و شاه سابق، بطرف میدان گمرک به راهپیمایی پرداختند. بر پلاکاردها نوشته شده بود: «سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد و فاجعه سیمارکسی آبادان اسنادی است از جنایات امریالیسم آمریکا». در ضمن راهپیمایی کارگران شمار میدادند: پالیزبان، پختیار فرماندهان مزدور در فکر کودتایند «کارگر، زحمتکش بر ضد کودتایند» اخراج هر کارگر، فریه به انقلاب است خمینی موزمزد آمریکا می لرزد لغاء سود ویژه، نفع سرمایه دار، علیه انقلاب است در حین راهپیمایی کارگران سندیکای فلز کار مکانیک، گروه کثیری از کارگران سایر سسوف و زحمتکشان اطراف خیابان شیرور خورشید به آنها ملحق شدند و یکمدا و با قاطعیت هر چه تمام تر فریاد میکشیدند: مورگ بر آمریکا، مورگ بر آمریکا در میدان گمرک، طی مراسم در حضور عده کثیری از مردم زحمتکش، پرچم امریالیسم آمریکا و مترسکهای کارت جایت پشه و پختیار مزدور و شاه ملمون به آتش کشده شد. در پایان پلاکاردهای سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران و حومه، در اطراف میدان گمرک نصب شد. * * * خیرتکار نامه مردم، که در این مراسم حضور داشت، پس از اتمام مراسم، بایکی از کارگران قالب ساز تراشکار، مساحبه کوتاهی انجام داد. این کارگر گفت:

آماده باش! شیطان بزرگ میخواهد برگردد

دهقانان عزیز! شیطان بزرگ - آمریکای جهانخوار، از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، به کمک ایادی داخلی خود، از هیچ تلاشی برای نابودی انقلاب شکره مند ما فروگذار نکرده است.

روزی نیست که آمریکا و دست نشانده گانش، یعنی سرمایه داران وابسته، زمین داران بزرگ و ساراکی ها علیه انقلاب مارتولنه نکنند. زمین داران بزرگ و فئودالها، که از دستاورد بزرگ انقلاب، یعنی واگذاری زمین به دهقانان تبهی دست وحشت دارند، هر روز علیه شما دهقانان زحمتکش توطئه می کنند، خرم های شما را آتش می زنند و یا شما را بی جهت به دادگاه می کشانند، بین شما تفرقه می اندازند و یا در کار شما سنگ اندازی می کنند. آنها می خواهند بهترین تیبی شده مانع واگذاری زمین و اجرای قانون شوند.

دهقانان عزیز! اینبار امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ می خواهد به کمک عوامل داخلی خود باز هم سلطه زمین داران بزرگ و فئودالها را بر شما برقرار کند و از طریق واژگونی جمهوری اسلامی ایران باز هم کشور ما را اسیر خود سازد.

امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ برای نجات شیطان های کوچک، یعنی مالکان بزرگ و فئودالها می خواهد برگردد. پس باید یکبار دیگر منتظر دست و پنجه نرم کردن با او باشیم.

دهقانان عزیز و مبارزان! اینبار باید روستاها و شهرهای ایران را به قبرستان آمریکا و نوکرائش مبدل سازیم. برای این هدف مقدس، که دفاع از سرزمین خود و هستی خود است، در هنگام بروز خطر، یعنی همین حالا، به نکات زیرین توجه کنید:

- ۱- در بسیج عمومی برای مقاومت در برابر شیطان بزرگ شرکت کنید.
 - ۲- در هنگام بروز حمله شیطان بزرگ، به نهادهای انقلابی، مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی یاری رسانید و هرگونه اطلاعاتی از وجود توطئه عوامل شیطان بزرگ دارید، به نهادهای انقلابی خبر دهید.
 - ۳- برای مقابله با دشمن و تشکیل دادن توده دهقانان زحمتکش فوراً اتحادیه های خود را تشکیل دهید و نمایندگان خود را به نهادهای انقلابی معرفی کنید؛ تا شما را برای مقاومت مسلحانه در برابر شیطان بزرگ یاری رسانند.
- دهقانان مبارزان! پیروزی با شماست، زیرا حق با شماست!

آمریکا میخواهد اعصاب ما را ...

بقیه از صفحه ۱ هستند. اکنون سفرای کشورهای دوست آمریکا آمده اند و بسا اعتراض میکنند که چرا نکند ما تیم جاسوسهای دیپلماتهای آمریکا حکومت انقلاب را براندازند و حکومتی از نوع همان حکومت شاه بجای آن بگذارند.

لحن نامه سفیران کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا»، که آنها «تقاضا نمیدانند، از «یادداشت» گروه قبلی تیز خن تر و زنده تر است. کسانی که به زبان مکاتبات رسمی بین المللی آشنا هستند، نمیتوانند از کلماتی که در این «تقاضا» بکار برده شده است، تعجب نکنند. آنها اشغال جاسوسخانه آمریکا را «به تمام معنی یک تجاوز بقوانین بین المللی... و حرکات غیر قابل قبول» می نامند و تهدید میکنند که این حرکات «توافق ناخوشایندی» در روابط این دولت و ایران خواهد داشت و برقراری «دولت و روابط حسنه خود را با جمهوری اسلامی ایران» موکول به آزادی «گروگانها» میکنند و «مجدداً مراتب نگرانی خود را در مورد رفتار انسانی با گروگانها» اظهار میدارند.

به کلماتی که در متن زیر (برجسته شده است) توجه کنید: تجاوز به معنی، حرکات غیر قابل قبول، عواقب ناخوشایند، روابط حسنه دوباره (که معلوم میشود اکنون از بین رفته است)، نگرانی از رفتار انسانی... معنای این کلمات در زبان مکاتبات دیپلماتیک، بر مراتب خشن تر و زنده تر از معنای عادی آنهاست.

فشار یکجای دنیای سرمایه داری به انقلاب ایران نشانگر آنست که این دنیا هنگامیکه پای منافع سرمایه داری، بتواند یک نظام اجتماعی - اقتصادی - سیاسی در میان باشد، تاجه اندازه متحد و یکپارچه است. این یکپارچگی تنها در احوال فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی بر انقلابهای ضد امپریالیستی ظاهر نمیکرد. آنان در تلاش برای بازگرداندن نظام سرمایه داری وابسته در گوشه های از جهان نیز به همین اندازه متحد و یکپارچه اند و تمام امکانات خود را در کمک رساندن به ضد انقلاب داخلی به همین ترتیب متمرکز میسازند.

انگلیستان، فرانسه و آلمان غربی، دوش بدوش آمریکا و اسرائیل در تجزیه، تعلیم و جمع آوری اطلاعات برای شبکه ضد انقلاب در داخل و خارج ایران فعالیت میکنند. اطمینان ضد انقلاب به پیروزی نیز از همین پشتیبانی نیرومند سرچشمه میگردد. جبهه واحد ضد انقلاب داخلی و خارجی، تعرض وسیع خود را در تمام زمینه ها آغاز کرده است. اگر نمایندگان سیاسی کشورهای سرمایه داری ایران را ترک میکنند، اگر آنان از «روابط حسنه دوباره» سخن میگویند، معلوم میشود که ما در مرحله نهایی آرامش قبل از طوفان بسر میریم و دشمنان انقلاب ما، با آغاز این جنگ روانی، که یکسره آن «بمب گذاری» و سردیگر آن «نامه نگاری» است، اعصاب ما را امتحان میکنند. ما برای پیروزی در این نبرد سرنوشت ساز باید از آزادی آهنگین و ایمانی تزلزلناپذیر داشته باشیم. امپریالیسم آمریکا و متحدانش که اکنون

پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه کوشش دولت آمریکا را برای تحمیل امیال و سیاست ارتجاعی خویش به خلقهای عرب قاطعانه محکوم ساخت

چندی پیش درباره برگزاری پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه و مهم ترین مضوبات آن در صفحات نامه «مردم» گزارشی دادیم. کنگره پنجم، پس از بررسی همه جانبه فعالیتهای حزب در سالهای گذشته، وظائف آن را در دوران آینده مشخص ساخت.

رفیق خالد بگدش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، در مصاحبه ای با «پراودا» نکاتی چند در اینباره اظهار داشت، که مهم ترین بخش های آنرا در زیر از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم:

رفیق خالد بگدش گفت: «پیش از همه باید تاکید کرد که، کنگره در شرایط سیاسی پس دشوار برگزار شد. ویژگی اوضاع کنونی در خاورمیانه آنست که، امپریالیسم و ارتجاع خانگی فعالیتهای خطرناک خویش را شدت میبخشند. در چنین وضعی، رهبری کشور ما سیاست خود را به یافتن راهحلی عادلانه برای مسئله خاورمیانه و تحکیم وحدت عمل کشورهای عربی استوار ساخته است. سوریه در «جبهه ملی پایداری»، که به عاملی مهم در یکپارچگی منطقه خاورمیانه و صهیونیسم در منطقه تبدیل شده است، نقش فعالی ایفا میکند. کشور ما توطئه کمپنیوید را قاطعانه محکوم ساخت.» بگفته خالد بگدش، کنگره پنجم کمونیست های سوریه تصمیم گرفت که در راه تحکیم استقلال ملی سوریه و افزایش توان نیروهای ترقی کشور بکوشد. این نیروها خواهان آنند که، اسرائیل همه سرزمین های اشغالی عرب را ترک کند و خلق عرب فلسطین از حقوق حقه خود - از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک دولت مستقل، بهره مند گردد. وی افزود: «از تریبون کنگره خود تمام احزاب «جبهه ملی مترقی سوریه» را فراخواندیم که نقش «جبهه» را تقویت بخشند و از آن هر چه بیشتر برای بسط خلق سوریه در مبارزه علیه امپریالیسم و سرسپردگان آن در خاورمیانه استفاده جویند.»

کمونیست های سوریه معتقدند که باید بخش دولتی را در اقتصاد ملی گسترش بخشید، اصلاحات ارضی را بیکباره جامه عمل برنشانند و از نفوذ کلان زمینداران در روستا کاست. نمایندگان کنگره پنجم حزب کمونیست سوریه برای مبارزه در راه در گرون سازیهای بنیادی و فعالیت سازمانهای توده های اهمیت فراوان قائل شدند و نتایج اجلاس «رهبری مرکزی» «جبهه ملی مترقی سوریه» و قطعنامه های هفتمین کنگره منطقه ای «حزب بعث عرب سوسیالیستی» را مثبت ارزیابی کردند. از سوی دیگر یادآوری شد که وضع داخلی سوریه در دوران گذشته به وخامت گراییده است. این تحول ثابت میکند که، ارتجاع وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم، از هر غفلتی برای تشدید فعالیتهای تبه کارانه خود علیه دستاوردهای مترقی استفاده خواهد جست. کمونیست های سوریه کارزار ترقی و ارعاب سیاسی ارتجاع را علیه نیروهای مین پرست کشور شدیداً محکوم میکنند. رفیق خالد بگدش گفت:

«گردهمایی کمونیست های سوریه موضع یگیر اتحاد شوروی را در برابر مسئله خاورمیانه و دیگر مسائل مهم بین المللی ستود. کنگره با تعلق آراء پشتیبانی خود را از تقویت دوستی میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سوریه ابراز داشت.»

کمونیست های سوریه برخی سیاستمداران را، که برای تحمیل تئوری «دو برابر قدرت» به خلق های عرب و هم تراز جلوه دادن منافع صلح خواهانه اتحاد شوروی و تجاوز کاری ایالات متحده آمریکا تلاش میوزند، مورد انتقاد قرار دادند. بگفته دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، «کنگره کوشش دولت آمریکا را برای تحمیل امیال و سیاست ارتجاعی خویش به خلق های عرب قاطعانه محکوم ساخت.»

نمایندگان کنگره تحکیم وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی حزب را مورد توجه خاص قرار دادند. و تحقیق بیکر اصول لنینی کار حزبی را خواستار شدند. رفیق خالد بگدش در پایان یادآور گشت: «کمونیست های سوریه به هدفهای خویش اکتفا ندارند و به دیده خوشبینانه به وظایف آتی خود می نگرند. آنها با دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هم آوا هستند که، سالهای هشتاد پیروزیهای جدیدی را در امر ساختمان کمونیسم، تحکیم و گسترش سوسیالیسم جهانی و تأمین صلح پایدار در بر خواهند گرفت.»

بربرده روی صحنه آمدند، ناتوانتر از آنند که بتوانند مسیر تاریخ جهان را، که از بردگی و استثمار بسوی آزادی و عدالت پیش میرود، تغییر دهند.

اما آنها میتوانند مین ما را به دشواریها و مصائب سخت بکشانند و ما باید برای تحمل این دشواریها، بخاطر رهائی میهنمان از چنگال دنیای غارتگر امپریالیسم، فداکاری کنیم.

مسئله ما با امریکاست. «گروگانها» نیست و حجت الاسلام رفیق بگدش درست گفته اند که:

«اگر مشکل جاسوسها حل شود، آمریکا عداوتش با انقلاب ما بیشتر میشود.»

عداوت آمریکا با انقلاب ما رقیب پایانی میپذیرد که امپریالیسم توانسته باشد نظام جمهوری اسلامی ایران را براندازد و یا آنرا از داخل یوسانید، چون مصر ناصر به مصر سادات تبدیل نماید و یا ضیاع الحقی را بنام اسلام برگرداند ما سوار کند. اگر نمیخواهیم انقلاب خونینمان به چنین سرنوشتی دچار شود، باید برای رویارویی با امپریالیسم آمریکا در تمام جبهه های جنگ اقتصادی، سیاسی، نظامی و روانی آماده باشیم. اعصابمان را نیز چون ایمانمان قوی نگاه داریم.

رفیق پرویز صادقی را آزاد کنید!

رفیق به یکماه از بازداشت بدون دلیل رفیق پرویز صادقی، مسئول سازمان «حزب توده ایران» در کرمانشاه میگذرد و متأسفانه مسئولین جمهوری اسلامی ایران در کرمانشاه هنوز اقدامی در جهت رفع این عمل غییر - قانونی و نادرست نکرده اند.

بازداشت یکی از مسئولین حزب توده ایران، در شرایطی که در آستانه یورش متحد امپریالیسم آمریکا و وابستگانش علیه انقلاب ایران قرار داریم و در شرایطی که تمام اعضاء و هواداران حزب توده ایران جان

کریب به یکماه از بازداشت بدون دلیل رفیق پرویز صادقی، مسئول سازمان «حزب توده ایران» در کرمانشاه میگذرد و متأسفانه مسئولین جمهوری اسلامی ایران در کرمانشاه هنوز اقدامی در جهت رفع این عمل غییر - قانونی و نادرست نکرده اند.

بازداشت یکی از مسئولین حزب توده ایران، در شرایطی که در آستانه یورش متحد امپریالیسم آمریکا و وابستگانش علیه انقلاب ایران قرار داریم و در شرایطی که تمام اعضاء و هواداران حزب توده ایران جان

حمله صهیونیستهای اسرائیل به جنوب لبنان دفع شد

صهیونیستهای اسرائیل باز دیگر از راه زمین، هوا و دریا، جنوب لبنان را مورد حمله قرار دادند. در جریان این حمله جنایتکارانه، که ملی آن نیروهای صهیونیستی از آخرین هواپیماهای جنگی ساخت آمریکا - که اخیراً به اسرائیل تحویل داده شده است، استفاده کردند. بگفته دولت لبنان، ۲۵ تن کشته و ۳۰ تن مجروح شده اند.

هدف اسرائیل از آن حمله تصرف مجدد نواحی اطراف سواحل رود لبنانی بود.

نیروهای مشترک فلسطینی و جنبش ملی لبنان (احزاب مترقی لبنان) شجاعانه در برابر نیروهای تجاوزکار صهیونیستی مقاومت کردند و تلفات زیادی به این نیروها وارد آوردند. بر اثر حملات قهرمانانه نیروهای فلسطینی و نیروهای جنبش ملی لبنان، نیروهای تجاوزکار صهیونیستی نتوانستند به هدفهای خود دست یابند و ناچار به عقب نشینی شدند.

تدارک لبرگزاری سمینار مربوط به آغاز قرن پانزدهم هجرت در اتحاد شوروی ادامه دارد

کمیته تدارکاتی در مورد برگزاری سمینار مربوط به آغاز قرن پانزدهم هجرت، در مسکو به کار خود پایان داد. قرار است این سمینار اوائل سپتامبر در تاشکند، پایتخت ازبکستان شوروی، با شرکت سدها مقام روحانی از جمهوری های آسیای اتحاد شوروی و کشورهای اسلامی برگزار شود.

به مناسبت کتابهایی از جمله زیر عنوان «اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی»، «احادیث پیامبر اسلام» انتشار یافته است. همچنین تاکنون قرآن چندبار در اتحاد شوروی تجدید چاپ شده است. از سوی دیگر منسحات قرآن قرآن در جمهوری های آسیای میانه پخش خواهد شد.

گروهی از کارگران مجتمع آپارتمان سازی اکیاتان: بسا تشکیل سندیکا در راه تعمیق انقلاب و تأمین منافع صنفی خود بکوشیم

گروهی از کارگران مجتمع آپارتمان سازی اکیاتان، وابسته به شرکت نوسازی و عمران تهران، که پیش از چهار کارگردارد، ضمن انتشار نامه ای، از همه کارگران دعوت کرده اند. که با تشکیل سازمان صنفی خود در راه تعمیق انقلاب و تأمین منافع صنفی خود بکوشند. در نامه از جمله چنین گفته میشود:

بیش از یکسال و نیم است که از انقلاب پیروزمند ملت ایران می گذرد. اما در این مدت سیاست سازشکارانه دولت موقت و مسئولین و مدیران منتخب این دولت - که متأسفانه هنوز دارای نفوذ بسیاری در دولت و موسسات مختلف هستند از یکسو، و کارشکنی عوامل رژیم منفور گذشته از سوی دیگر، دست هم داده و باعث هدر رفتن نیروی عظیم مردم انقلابی کشورمان شدند، مردم ستمدیده ای که با خون شهادت خود نهال انقلاب را بارور ساختند. ما در این مجتمع کارگری که بی شک یکی از بزرگترین واحدهای کارگری ایران است، آثار شوم این سیاست سازشکارانه را به چشم خود می بینیم. همه ما میلیون ها تومان بابت دستمزد و سایر مخارج دیگر صرف می شود و با اینکه مواد و کلیه امکانات دیگر نیز باندازه لزوم در دسترس است، ولی به بلل مختلف، از جمله کارشکنی عوامل پادشاه و عدم برنامه ریزی صحیح، بازدهی کار خیلی کمتر از مخارجی است که میشود. و اگر به این نکته توجه داشته باشیم که قسمت اعظم ارزش آپارتمانها را، سرمایه داران سابق خاندان منفور پهلوی و سایر وابستگان به آنها، از خریداران دریافت و به حساب خود در بانکهای کشورهای امپریالیستی واریز نموده اند، به راحتی خواهیم فهمید که کلیه هزینه های صرف شده پس از انقلاب - که چند صد میلیون تومان برآورد شده است - باری است پرودش ملت ایران، آنهم در شرایطی که ما، به گفته امام خمینی، با «شیطان بزرگ» - امپریالیسم آمریکا، در جنگیم، جنگی که امپریالیسم آمریکا برای تأمین منافع از دست رفته اش بر ما تحمیل نموده است.

برای اینکه چرخ های امور در این مجتمع به حرکت درآید، ضرورت دارد که خواست های به حق ما کارگران به حساب آورده شود. و اینهم ممکن نیست مگر اینکه ما در انجمن صنفی خود سندیکال - که مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است، متشکل و متحد شویم.

حال ممکن است این سؤال پیش آید که: با بودن شوراهای صنفی به سندیکالست؟ در جواب باید گفت که: در شوراهای نمایندگان اقتدار مختلف کارکنان - از جمله کارگران - و نیز کارفرما شرکت میکنند در تدوین و اجرای برنامه ها مشارکت می نمایند و همانطور که دیده میشود، نماینده ما کارگران نیز رای برابر با نمایندگان سایرین دارد، یعنی در واقع ما همیشه در اقلیت خواهیم بود. اما سندیکا سازمان طبقاتی کارگران است، که به دست و با شرکت ما کارگران بوجود خواهد آمد و در جهت تأمین منافع صنفی ما - از جمله تأمین شغلی - خواهد کوشید. ما به هیچ وجه قصد نداریم بین شما و سندیکا، یکی را بر دیگری ترجیح دهیم، زیرا مقتضای هر دو آنها لازم است. با تشکیل سندیکای کارگران شرکت نوسازی و عمران تهران و فرستادن نماینده خود از سندیکا به شوراهای تقویت خواهیم نمود و ضمن وسوسه مطالبات صنفی خود خواهیم توانست برای بالابردن بازدهی کار، مسئولین امر را به اخذ تدابیر لازم و تنظیم برنامه های دقیق و اصولی وادار نماییم.

در میان نیروهای انقلابی هرگز نه تفرقه‌ای
ارتجاعی است»

مارکس

درباره وحدت و تضاد

ماباهمه نیروهای صدیق انقلابی، اعم از آنکه متعلق به کدام
مکتب یا سازمان هستند، خواستار وحدتیم نه نفاق

در کشور ما متأسفانه مرسوم است
که با نسبت دادن مطالب بی‌منطق و
نادرستی به طرف و سپس رد آن
مطالب، قضایا را خیلی ساده حل
می‌کند. تنها به قضا رفته، راضی
نمی‌گردد.

این لوازم درباره جهان بینی علمی
و انقلابی مارکسیسم لنینیسم اظهار
نظری زویدی می‌شود، که خصلت
عام آنها ساده کردن مطلب و
جلوه دادن این جهان بینی به نحوی
است که، بدان نحو نیست، حتی
برخی‌ها که مایلند در این زمینه
جدی باشند، متأسفانه باین هدف
خود نمی‌رسند.

یکی از این مسائل منسب به
در کشور ما متأسفانه مرسوم است
که با نسبت دادن مطالب بی‌منطق و
نادرستی به طرف و سپس رد آن
مطالب، قضایا را خیلی ساده حل
می‌کند. تنها به قضا رفته، راضی
نمی‌گردد.

این لوازم درباره جهان بینی علمی
و انقلابی مارکسیسم لنینیسم اظهار
نظری زویدی می‌شود، که خصلت
عام آنها ساده کردن مطلب و
جلوه دادن این جهان بینی به نحوی
است که، بدان نحو نیست، حتی
برخی‌ها که مایلند در این زمینه
جدی باشند، متأسفانه باین هدف
خود نمی‌رسند.

یکی از این مسائل منسب به
در کشور ما متأسفانه مرسوم است
که با نسبت دادن مطالب بی‌منطق و
نادرستی به طرف و سپس رد آن
مطالب، قضایا را خیلی ساده حل
می‌کند. تنها به قضا رفته، راضی
نمی‌گردد.

یکی از این مسائل منسب به
در کشور ما متأسفانه مرسوم است
که با نسبت دادن مطالب بی‌منطق و
نادرستی به طرف و سپس رد آن
مطالب، قضایا را خیلی ساده حل
می‌کند. تنها به قضا رفته، راضی
نمی‌گردد.

آنها که میخواهند امپریالیسم امریکا را فتر سازند

دولت موقت، یعنی سپید مهابادی بود
دولت موقت، نسبت به اقدام‌های انقلابی سرسپردگان درجه اول
روزی سابق اعتراض کرد و این عمل را بی‌آبرویی برای ایران در دنیا
خواند و آنرا «انتقام‌جویی» نامید. بر اثر فشار مهندس بازرگان و هم-
فکران وی، پسپازی از این مزدوران از مجزات رستند و تیغ دادگاه‌های
انقلاب به کندی گراشت. آنها ایاز نیز موفق شدند تا امپریالیسم امریکا
را ترسانند، اما امپریالیسم امریکا باز هم از توطئه‌های «فرضی» دست
برداشت. جاسوسان سیا بی‌دوبی به ایران آمدند و به‌راه «دیپلمات-
های سفارت امریکا» و دیگر «خبرنگاران» و «رسلان» امپریالیسم
امریکا، این رهنشده‌گان از بند انقلاب را سازمان دادند، چنانکه بهنگام
تجزیه نظامی «فرضی» امریکا به ایران افشا شد که ۳۰۰۰ نفر مزدور
برای انجام توطئه سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، آماده و مجرب
بودند.

دولت موقت، برای آنکه امپریالیسم امریکا «گمان بد» نبوده،
سرمایه‌داران بزرگ را توارش کرد و بر توده کارگر خشم گرفت و
آنها را متوحش کرد. اما گوئی امپریالیسم امریکا این اشارت را نیز
دردناک، چه سرمایه‌داران بزرگ را به اغلال در تولید و ادانت و
نوسط عوامل خود به پخش بذر نفاق و بدبینی در بین کارگران برداخت.
دولت موقت، نریه را به مدیرعاملی شرکت نفت و مراه‌های را به
استانداردی آذربایجان گمارد، دروازه علوی فرمانده نیروی دریایی و
سپید مهابادی فرمانده نیروی هوایی شد. کسان دیگری هم بستهای
حساسی را اشغال کردند، که بعداً معلوم شد همه اینها در سازماندهی
فد انقلاب شرکت دارند.

توطئه امریکا در مراسم حج

و نمایندگانش در کویت و مراکش
و اردن و «مصرائیل» و شیوخ آ-
خلیج به ایالت پنجاه و یکم امریکا
عربستان سعودی روانه می‌کند. آنها
کنفرانس تشکیل میدهند بدون تردید
هر کنفرانسی که اینروزها درهرجای
این منطقه برپا میشود بحث ایران
را در سرح کار خویش دارد! آنها
نقشه کشیده‌اند که اسامال در مراسم
حج به انواع و اشکال مختلف
ایرانیان را به دام اندازند و اعتقادات
مذهبی مسلمانان را علیه آنان بر-
انگیزانند.

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم» فعلا
در اشغال عناصر
غیر مسئول است)
NAMEH
MARDOM
No. 315
24 August 1980
Price:
West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr

دولت موقت، نسبت به اقدام‌های انقلابی سرسپردگان درجه اول
روزی سابق اعتراض کرد و این عمل را بی‌آبرویی برای ایران در دنیا
خواند و آنرا «انتقام‌جویی» نامید. بر اثر فشار مهندس بازرگان و هم-
فکران وی، پسپازی از این مزدوران از مجزات رستند و تیغ دادگاه‌های
انقلاب به کندی گراشت. آنها ایاز نیز موفق شدند تا امپریالیسم امریکا
را ترسانند، اما امپریالیسم امریکا باز هم از توطئه‌های «فرضی» دست
برداشت. جاسوسان سیا بی‌دوبی به ایران آمدند و به‌راه «دیپلمات-
های سفارت امریکا» و دیگر «خبرنگاران» و «رسلان» امپریالیسم
امریکا، این رهنشده‌گان از بند انقلاب را سازمان دادند، چنانکه بهنگام
تجزیه نظامی «فرضی» امریکا به ایران افشا شد که ۳۰۰۰ نفر مزدور
برای انجام توطئه سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، آماده و مجرب
بودند.

دولت موقت، برای آنکه امپریالیسم امریکا «گمان بد» نبوده،
سرمایه‌داران بزرگ را توارش کرد و بر توده کارگر خشم گرفت و
آنها را متوحش کرد. اما گوئی امپریالیسم امریکا این اشارت را نیز
دردناک، چه سرمایه‌داران بزرگ را به اغلال در تولید و ادانت و
نوسط عوامل خود به پخش بذر نفاق و بدبینی در بین کارگران برداخت.
دولت موقت، نریه را به مدیرعاملی شرکت نفت و مراه‌های را به
استانداردی آذربایجان گمارد، دروازه علوی فرمانده نیروی دریایی و
سپید مهابادی فرمانده نیروی هوایی شد. کسان دیگری هم بستهای
حساسی را اشغال کردند، که بعداً معلوم شد همه اینها در سازماندهی
فد انقلاب شرکت دارند.

کمک مالی
مبتدئ از اسفهان ۱۰۰۰ ریال
هوادارن حزب توده ایران
در علویچه ۶۰۰۰ ریال
اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن
بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های
مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و
جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترک‌انست